هیرکان

▪ هفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی ▪ شماره ۲ ▪ شنبه ۲ آبان ۱۴۰۵ ▪ قیمت ۵۰ هزار تومان ▪

آیا بلندمرتبه سازی اولویت امروز مردم گرگان است؟

آش شور برج‌سازی در ناهارخوران و صیاد شیرازی

ضرورت بازنگری در جانمایی مرکز ماده ۱۶ توسکستان

صفحه ۷

نسخه بلندمرتبه‌سازی برای گرگان؛ توسعه یا تکرار خطاهای شهری؟

صفحه ۲



سرمقاله

▪الهه رمضانپور | مدیرمسئول

ناهارخوران و صیادشیرازی؛

حیاط خلوت بلندمرتبه‌سازان نیست

▪توسعه شهری با برج‌سازی در هر نقطه‌ای از شهر معنا پیدا نمی‌کند. آنچه آینده گرگان را رقم می‌زند، نه تعداد طبقات ساختمان‌ها، بلکه مکان‌یابی اصولی، رعایت ظرفیت زیرساخت‌ها و صیانت از منافع عمومی است. یکی از خطاهای رایج در نگاه به توسعه شهری، برابر دانستن افزایش تراکم و ارتفاع ساختمان‌ها با پیشرفت است. بلندمرتبه‌سازی در نقاطی از شهر گرگان (همچون شمال گرگان) که ظرفیت لازم را دارند، می‌تواند بخشی از راهبرد توسعه باشد؛ اما تعمیم این الگو به هر محور و هر محله، بدون توجه به ویژگی‌های مکانی و محدودیت‌های موجود، تصمیمی قابل دفاع نیست.

ناهارخوران و صیادشیرازی را نمی‌توان صرفاً با محاسبات اقتصادی زمین و ساختمان اداره کرد. این محدوده‌ها نیازمند مطالعات تخصصی، ارزیابی پیامدهای ترافیکی و زیست‌محیطی و ضوابطی روشن و قابل نظارت هستند.

گرگان برای توسعه به ساختمان‌های بلندتر نیاز ندارد؛ به مدیریت شهری دوراندیش، زیرساخت‌های متناسب، ضوابط شفاف و تصمیم‌هایی نیاز دارد که منافع عمومی را بر منافع کوتاه‌مدت گروه‌های خاص مقدم بداند. مخالفت با بلندمرتبه‌سازی بی‌ضابطه در محور ناهارخوران و صیادشیرازی، مخالفت با توسعه نیست؛ اعتراض به توسعه‌ای است که اگر بدون ارزیابی دقیق ظرفیت‌های شهری پیش برود، می‌تواند کیفیت زندگی شهروندان را قربانی سودآوری گروه‌های خاص کند.

ناهارخوران، صرفاً یک محور ساختمانی و تجاری نیست؛بخشی از هویت طبیعی، گردشگری و زیست‌محیطی گرگان است. صیادشیرازی نیز یکی از محورهای مهم شهری است که هرگونه تغییر در الگوی ساخت‌وساز آن، بر ترافیک، دسترسی، خدمات شهری و زندگی روزمره ساکنان تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، تصمیم درباره ارتفاع ساختمان‌ها در این محدوده‌ها، موضوعی فراتر از صدور یک پروانه ساختمانی است؛ پای آینده شهر و حق شهروندان برای برخورداری از محیطی سالم، ایمن و قابل‌زیست در میان است.

پرسش اساسی اینجاست: آیا پیش از اصرار بر افزایش ارتفاع ساختمان‌ها، ظرفیت واقعی معابر، شبکه فاضلاب، تأمین آب، پارکینگ، خدمات امدادی و زیرساخت‌های شهری به‌صورت کارشناسی ارزیابی شده است؟ آیا آثار تجمع جمعیت و افزایش سفرهای درون‌شهری بر این محورها سنجیده شده و نتایج ارزیابی‌ها به اطلاع شهروندان رسیده است؟ اگر پاسخ این پرسش‌ها روشن نیست، اصرار بر بلندمرتبه‌سازی نه نشانه پیشرفت، بلکه نوعی پیش‌داوری درباره آینده شهر است.

تجربه مدیریت شهری نشان می‌دهد که ساخت‌وسازها در نهایت در مدت کوتاهی به پایان می‌رسد، اما جبران کمبود زیرساخت‌ها، گره‌های ترافیکی، فشار بر خدمات عمومی و آسیب‌های محیطی، سال‌ها هزینه بر دوش شهر و شهروندان می‌گذارد. سود ساخت‌وساز ممکن است نصیب عده‌ای محدود شود، اما هزینه پیامدهای آن را همه مردم می‌پردازند.

نسخه بلندمرتبه‌سازی برای گرگان؛ توسعه یا تکرار خطاهای شهری؟



▪محمدمهدی صفائی
فعال فرهنگی اجتماعی

▪در روزهای گذشته، خبر «تصویب جزئیات بلندمرتبه‌سازی در گرگان» در شورای عالی معماری و شهرسازی، با هیجان بسیار از سوی رسانه‌های نزدیک به استانداری گلستان منتشر شد. همان‌قدر که موافقان نه چندان پرتعداد، از مزایای این تصمیم گفتند، مخالفان پرشمار نیز در نامه‌ای به سران قوا و مقامات عالی کشور، با طرح استدلال‌هایی در پلتفرم کارزار، به آن اعتراض کردند و دامنه مخالفت‌ها تا حدی زیادی گسترش یافت. اما فراتر از هیاهوها و برخی روایت‌ها، واقعیت ماجرا چیست؟

... نشست ناتمام خرداد

در ماه‌های اخیر، پس از آنکه کلیات طرح بلندمرتبه‌سازی گرگان در نشست خردادماه شورای عالی معماری و شهرسازی به تصویب رسید اما در چند پهنه، به جمع‌بندی نهایی نرسید ـ جلسه‌ای که با اختلاف‌نظرها و تنش‌هایی میان مدیران استان و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی عضو شورا همراه بود ـ شهرداری گرگان و استانداری گلستان با اصلاحاتی، خواستار تصویب بلندمرتبه‌سازی در چند پهنه شدند؛ از جمله بخش‌هایی از محور صیاد شیرازی، خیابان ناهارخوران تا پل سید مسعود و محدوده شرقی شهر، در بخش‌هایی از محور طبیعت و کمربندی.

در ضوابط پیشنهادی، برای زمین‌های هزار تا دو هزار مترمربع، امکان ساخت تا ۱۰ طبقه، برای زمین‌های دو تا سه هزار مترمربع تا ۱۲ طبقه و برای زمین‌های بیش از سه هزار مترمربع حداکثر تا ۱۵ طبقه پیش‌بینی شده بود.

... نشست سیزدهم

درباره نشست سیزدهم شورا در هفته گذشته، روایت‌های بسیاری منتشر شد، اما پایگاه رسمی وزارت راه و شهرسازی گزارش جلسه را به نقل از «دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران» اینگونه منتشر کرد: «دستور کار سوم مربوط به بلندمرتبه‌سازی شهر گرگان با حضور استاندار گلستان بود که به ادامه بررسی جلسه شورای عالی در خرداد امسال می‌پرداخت. با توجه به دغدغه‌ها و حساسیت‌ها برای استان‌های شمالی کشور، از جمله شهر گرگان و محدودیت در تخصیص زمین و تبدیل آن به زمین شهری، باید با دقت بیشتری به بهره‌وری از زمین‌ها و رعایت ملاحظات محیط‌زیستی، فنی و زمین‌شناسی توجه کرد که محورها و پهنه‌هایی در خردادماه به تأیید رسیده‌اند، اما برخی موارد نیازمند بررسی مجدد و بازدید میدانی بوده‌اند و مقرر شده است موضوع در کمیته فنی نهایی و سپس ابلاغ شود.»

... اصلاح و تعدیل درخواست

بر اساس شنیده‌های غیررسمی، در نشست سیزدهم شورای عالی، پس از سخنان کوتاه استاندار، وزیر راه و شهرسازی از شهردار گرگان خواست ضمن تشریح موضوع، برای تعدیل و منطقی‌کردن آن توضیحاتی ارائه نماید. طاهری نیز عملا با تقلیل درخواست، خواستار امکان ساخت تا ۱۰ طبقه در زمین‌های حداقل هزار مترمربعی و کاهش حداقل عرض معبر از ۱۶ به ۱۴ متر شد. شهردار گرگان همچنین برای عرصه ۵/۲ هکتاری شهرداری در محور صیاد شیرازی، محدوده گلند تاریکی، خواستار همراهی شورا و امکان ساخت طبقات بیشتری شد.

... پروژه ۵/۲ هکتاری صیاد

پروژه ۵/۲ هکتاری کجاست؟ شهرداری گرگان عرصه‌ای حدود ۵/۲ هکتار در محور صیاد شیرازی و حوالی روستاهای گلند تاریکی و توشن در اختیار داشته که در سال ۱۳۹۷، در قالب مزایده مشارکت، به شرکت معتبر و شناخته شده آکام فولاد واگذار شده است. سرنوشت این پروژه نیز تاکنون معطل مانده است.

... چند قطعه واجد شرایط بلند مرتبه سازی است؟

با نگاهی به وضعیت موجود قطعات در محور صیاد شیرازی، برآورد می‌شود شمار زمین‌های حدود هزار مترمربعی واجد شرایط برای چنین ساخت‌وسازی محدود و کمتر از ۱۰۰ قطعه باشد. البته تأیید این برآورد به بررسی نقشه املاک و ضوابط نهایی طرح نیاز دارد.

... میل به گسترش شهر؛ محدودیت زمین یا ضعف برنامه‌ریزی؟

بی‌تعارف، اتکای درآمد شهرداری‌ها به ساخت‌وساز می‌تواند انگیزه توسعه ساخت و ساز و گسترش شهر را تقویت کند. از همین رو، موافقان بلندمرتبه‌سازی در استان‌های شمالی معمولاً بر محدودیت زمین و ضرورت استفاده کارآمدتر از آن تأکید می‌کنند.

آنها همچنین در پاسخ به بلند مرتبه‌سازی و پیامد رشد جمعیت، این نکته اذعان دارند که با توجه به کاهش شدید موالید، جمعیت کنونی گرگان از افق پیش‌بینی‌های جمعیتی عقب‌تر است.

در مقابل، مخالفان، شدیدا نگران تغییر خط آسمان شهر، کمبود زیرساخت‌ها و افزایش مخاطراتی مانند سیلاب، زلزله و رانش زمین‌اند.

در گرگان، حتی اگر محور ناهارخوران از محدوده پیشنهادی کنار گذاشته شده باشد، درباره محور صیاد شیرازی نیز پرسش‌های مهمی باقی است.

آیا ظرفیت معابر و شبکه حمل‌ونقل متناسب با افزایش تراکم خواهد بود؟ آیا زیرساخت‌های آب، برق، فاضلاب و خدمات شهری پاسخ‌گو هستند؟ و چه سازوکار مؤثری برای

ماجرای بلندمرتبه‌سازی در گرگان لزوماً پنهانی پیش نرفته، اما اطلاع‌رسانی درباره جزئیات آن شفاف نبوده است. بدیهی است که از ابتدا باید تعداد زمین‌های واجد شرایط، نقشه پهنه‌ها، معیارهای انتخاب، مطالعات پشتیبان و آثار احتمالی طرح به‌روشنی منتشر می‌شد

جلوگیری از تخلف در طبقات مازاد بر پروانه و کنترل تغییرات بعدی طرح وجود دارد؟
منتقدان همچنین می‌گویند در جنوب گرگان به دلیل عرض معابر و ترافیک و نبود رینگ مناسب مانند قیف است که خودروها را پس می‌زند.
ضعف امکانات امداد و نجات از جمله ماشین‌های آتش نشانی مجهز به نردبان بلند، البته مسجل است.

... ضعف بازدارندگی جرایم تخلفات!

یکی از نگرانی‌های به حق منتقدان، ضعف بازدارندگی در برابر تخلفات ساختمانی است و حل‌وفصل تخلفات با جرایم است.
همچنین تجربه ساخت‌وسازهای مرتفع در شهرهایی مانند بابلسر، فریدون‌کنار و سرخرود، نگرانی‌هایی را درباره ناکارآمدی الگوی توسعه در شهرهای شمالی ایجاد کرده است.

... دستاورد یا انتقال مسئله؟

اگرچه برخی مدیران استان، بلندمرتبه‌سازی را دستاوردی برای توسعه شهری می‌دانند، اما باید پرسید این سیاست قرار است کدام مسئله را حل کند؟
توسعه را نباید تنها در شمال اقتصادی شهر جست. وضعیت فعلی جنوب اقتصادی (شمال جغرافیایی) شهر که هم‌اکنون کسی تمایل به بلند مرتبه سازی در آن ندارد را نمی‌توان جدا از چند دهه بی‌توجهی به برنامه‌ریزی شهری، توزیع نامتوازن منابع و خدمات، مهاجرت و گسترش سکونتگاه‌های حاشیه‌ای، بررسی کرد.
در بخش‌هایی از شرق شهر نیز، محله‌هایی مانند چناران و کاشانی با مشکلات کالبدی و خدماتی روبه‌رو هستند...
بلندمرتبه‌سازی، بدون بررسی و اصلاح این مسائل، به‌جای حل ریشه‌ای مشکلات، شکل تازه‌ای از نابرابری و فشار بر زیرساخت‌ها ایجاد خواهد کرد.
از سوی دیگر، طبیعی است که اجرای چنین پروژه‌هایی در مناطقی جذاب‌تر شود که امکان فروش واحدها با قیمت بالاتر وجود دارد؛ همین موضوع ضرورت توجه به منافع عمومی را بیشتر می‌کند.

... شفافیت؛ شرط لازم تصمیم‌گیری شهری

ماجرای بلندمرتبه‌سازی در گرگان لزوماً پنهانی پیش نرفته، اما اطلاع‌رسانی درباره جزئیات آن شفاف نبوده است. بدیهی است که از ابتدا باید تعداد زمین‌های واجد شرایط،



نقشه پهنه‌ها، معیارهای انتخاب، مطالعات پشتیبان و آثار احتمالی طرح به‌روشنی منتشر می‌شد.
نگرانی‌هایی مانند ترافیک، فشار بر خدمات شهری و مخاطرات طبیعی (همچون سیلاب اخیر و خسارات تکراری) نیز باید با پاسخ‌های فنی و قابل ارزیابی روبه‌رو شوند، نه آنکه صرفاً به موافق یا مخالف بودن افراد تقلیل یابند.
راه‌حل، گفت‌وگوی متولیان با موافقان و مخالفان، برگزاری نشست‌های کارشناسی با نهادهای صنفی و مدنی و انتشار عمومی اسناد است.
پیش از صدور مجوزهای اجرایی، باید ظرفیت معابر و زیرساخت‌ها، ارزیابی خطرهای طبیعی، ضوابط کنترل تخلف و سازوکار نظارت مشخص شود.
علاوه بر شهرداری البته اداره کل راه و شهرسازی به عنوان نهاد متولی سیاست‌گذاری طرح‌های توسعه شهری و همچنین دبیر کمیسیون ماده ۵ باید مسئولیت و پاسخگویی در این موضوع را بپذیرد همچنین مناسب است اجرای طرح به پایش دوره‌ای و انتشار گزارش عمومی درباره آثار آن مشروط شود....

... بلندمرتبه سازی چه زمانی قابل دفاع است؟

سیاست بلندمرتبه‌سازی زمانی می‌تواند به سیاستی قابل دفاع تبدیل شود که آثار آن پیشاپیش سنجیده، اطلاعات آن در دسترس عموم و اجرای آن قابل نظارت باشد. معیار موفقیت نیز نباید فقط تعداد طبقات یا حجم سرمایه‌گذاری باشد؛ بلکه باید روشن شود این تصمیم چه اثری بر دسترسی شهروندان به مسکن،کیفیت محیط شهری، عدالت در توزیع خدمات و تاب‌آوری گرگان خواهد گذاشت.
توسعه شهری، پیش از آنکه مسابقه‌ای برای رسیدن به آسمان باشد، تعهدی برای بهتر کردن زندگی در سطح زمین است.

ثبت جایگاه دانشگاه علوم پزشکی گلستان در رتبه‌بندی بین‌المللی تایمز



دانشگاه علوم پزشکی گلستان در تازه‌ترین نتایج نظام رتبه‌بندی بین‌المللی تایمز (THE) در بازه رتبه‌ای ۸۰۱ تا ۱۰۰۰ دانشگاه‌های جهان قرار گرفت؛ حضوری که زمینه ارزیابی عملکرد علمی و شناسایی ظرفیت‌های ارتقای جایگاه بین‌المللی این دانشگاه را فراهم می‌کند.
به گزارش روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، این دانشگاه بر اساس اطلاعات منتشرشده در وبگاه رسمی مؤسسه تایمز، در رتبه‌بندی جهانی سال ۲۰۲۷ در بازه رتبه‌ای ۸۰۱ تا ۱۰۰۰ قرار گرفته است.
نظام رتبه‌بندی بین‌المللی تایمز از جمله نظام‌های شناخته‌شده ارزیابی دانشگاه‌های جهان است که عملکرد مؤسسات آموزش عالی را بر اساس شاخص‌های کمی و کیفی بررسی می‌کند. این شاخص‌ها پنج محور اصلی شامل آموزش، محیط پژوهش، کیفیت پژوهش، چشم‌انداز بین‌المللی و ارتباط با صنعت را در بر می‌گیرند.
حضور دانشگاه علوم پزشکی گلستان در این نظام رتبه‌بندی، امکان ارزیابی و مقایسه عملکرد دانشگاه در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و بین‌المللی را فراهم می‌کند و می‌تواند مبنایی برای شناسایی نقاط قوت، تعیین اولویت‌های توسعه و برنامه‌ریزی برای بهبود شاخص‌های عملکردی باشد.
برنامه‌ریزی هدفمند برای ارتقای شاخص‌های مورد ارزیابی در نظام‌های رتبه‌بندی ملی و بین‌المللی، از محورهای مهم توسعه علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان به شمار می‌رود.

خسارت ۴۵۰ میلیارد تومانی سیلاب به راه‌های مینودشت؛ بازسازی نقاط آسیب‌دیده آغاز شد



مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای گلستان گفت: سیلاب‌های رخ‌داده از ابتدای سال جاری تاکنون، بیش از یک‌هزار میلیارد تومان به راه‌های استان خسارت وارد کرده‌اند که بیش از ۴۵۰ میلیارد تومان از این میزان، مربوط به شهرستان مینودشت است.
به گزارش روابط عمومی اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای گلستان، عادل مصدقی در حاشیه بازدید میدانی از مناطق سیل‌زده شرق استان، با اشاره به وقوع شش مورد سیلاب از فروردین‌ماه امسال تاکنون افزود: در سیلاب‌های اخیر، به‌ویژه در شهرستان مینودشت، ۹ نقطه از راه‌های استان دچار آسیب جدی شده‌اند که عملیات بازسازی آن‌ها از روز یکشنبه هفته جاری آغاز شده است. به گفته‌وی؛ تاکنون، عملیات بازسازی موقت آب‌شستگی‌های حاشیه این جاده به طول دو کیلومتر انجام شده است؛ با این حال، برای ترمیم اساسی و جلوگیری از تکرار خسارت‌ها، اجرای دیواره‌سازی ضروری است و پیگیری تأمین اعتبار مورد نیاز در دستور کار قرار دارد.
مصدقی با اشاره به تداوم عملیات راهداری در مناطق سیل‌زده گفت: در حال حاضر، ۵۰ دستگاه ماشین‌آلات سنگین راهداری شامل بیل مکانیکی، بولدوزر، کامیون و گریدر در مناطق آسیب‌دیده شهرستان مینودشت مشغول جابه‌جایی مصالح سنگی و انتقال آورده‌های کف رودخانه به سطح جاده هستند.
وی تأکید کرد: عملیات بازسازی و ترمیم راه‌های آسیب‌دیده با هدف بهبود وضعیت تردد و بازگرداندن ایمنی به محورهای خسارت‌دیده در حال انجام است.

آیا بلندمرتبه سازی اولویت امروز مردم گرگان است؟

آش شور برج‌سازی در ناهارخوران و صیادشیرازی

▪ الهه رمضانپور | ◂ در زمانی که کشور درگیر جنگ و مشکلات روزمره و نیازهای پدافندی ناشی از آن است و در استانی که پایین‌ترین رتبه‌ها را در شاخص‌های توسعه کشور داراست و در حالی که زمزمه تامین گاز در فصل سرما برای استان‌های شمالی، استرسی پنهان را برای مردم گلستان ایجاد کرده است، دلیل اصرار و پیگیری زیاد و کم‌سابقه از سوی مسئولان گلستان و شخص استاندار طهماسبی برای تصویب طرح بلندمرتبه‌سازی در پهنه‌های جنوبی شهر گرگان (ناهارخوران و صیاد شیرازی) در شورای عالی شهرسازی و معماری کشور چیست؟ و چرا برای برج‌سازی در این دو منطقه، که تنها منافع تعداد معدودی ملاک و سازنده و واسطه را تامین می‌کند، مسئولان ارشد استانداری خود مداخله کرده اند؟ چرا طرح با شهروندان در میان گذاشته نشده و در سکوت پیش برده شده است؟ چرا به اعتراض متخصصان به اشکالات طرح توجهی نشده است؟ و این رفتار از سوی مسئولان ارشد استان چه پیام‌هایی برای شهروندان و چه پیامدهایی برای شهر دارد؟ گزارش ذیل سعی در پاسخ به این پرسش ها دارد.

...ناکامی شهردار معزول و شهردار مستعفی

قرارداد تهیه «طرح شناسایی پهنه‌های با قابلیت بلندمرتبه‌سازی در شهر گرگان» در زمان مدیریت شهردار معزول، «محمدرضا سبطی» و به کارفرمایی شهرداری گرگان با «شرکت مهندسین مشاور فناوری اطلاعات مکانی فام زیرساخت» منعقد شد و همان گونه که پیش‌بینی می‌شد، بی سر و صدا و بدون مانع خاصی توانست با چراغ سبز مهدی مهیایی مصوبه کمیسیون ماده پنج استانداری را در سال ۱۴۰۲ و در زمان استانداری زنگانه و شهرداری محمدرضا سیدالنگی بگیرد. لیکن ظاهراً اشکالات زیاد این طرح مانع از آن شد که بتواند به راحتی از فیلتر کمیته فنی شورای عالی شهرسازی و معماری عبور کند و سیدالنگی، شهردار مستعفی گرگان نیز برای اخذ تاییدیه شورای عالی مذکور ناکام ماند و به دلیل عدم تخصص مدیران ارشد شهرداری گرگان در این حوزه و اصرار آنان برای تعیین پهنه‌ها بدون داشتن مطالعات و توجیهات کافی، پیمانکار برای راضی کردن نظر فنی شورای عالی شهرسازی و معماری به تغییرات متعدد طرح وادار شد.

... تهیه طرح در خفا!

با این همه و با وجود گذشت حدود چهارسال از آغاز تهیه این طرح، تلاش شهرداری گرگان معطوف به عدم اطلاع‌رسانی در خصوص یکی از مهم ترین طرح‌های شهری بوده و موضوعی که مستقیماً در زندگی و اقتصاد زمین و ساختمان مرکز استان تاثیرگذار است، در خفا و بدون اطلاع‌رسانی به شهروندان و متخصصان پیش رفته است.

نه محمدرضا سبطی، نه محمدرضا سیدالنگی و نه مجید طاهری، هیچ یک هیچ گاه تلاشی در جهت ارایه توضیحی قابل‌قبول برای شهروندان گرگان در ضرورت اجرای این طرح و اولویت آن نسبت به مشکلات عدیده و بزرگ این شهر نداشته‌اند و پافشاری و ضرورت اجرای این طرح بیشتر از سوی افرادی مطرح شده است که خود در اجرای چنین طرحی ذینفع مادی هستند: برخی از دلالان زمین و ساختمان، بساز و بفروش‌ها و یا زمین‌داران. نکته قابل توجه این که؛ از همان ابتدا در گفت و گوهای عامیانه در مورد این موضوع، بیشتر نام پهنه صیادشیرازی و مناطق جنوبی شهر برای بلندمرتبه سازی به دلیل توجیه اقتصادی آن برای سازندگان شنیده می شد. گویی که کارفرمای پروژه تعیین پهنه‌ها، این افراد هستند نه شهرداری.

... تشکیل مثلث بلندمرتبه سازی

پس از تشکیل دولت پزشکیان و با ابقای مهدی مهیایی در معاونت عمرانی استانداری گلستان به عنوان یکی از اصلی‌ترین پیگیری‌کنندگان طرح و حضور فردی غیرمتخصص در زمینه معماری و شهرسازی در پست مدیرکلی راه و شهرسازی گلستان چون سیدمحمد حسینی، برای مهیایی و مجید طاهری شهردار گرگان غنیمت شد تا با همراهی تام او و با حذف کارشناسان باتجربه از فرایند فنی و تشکیل مثلث «مهیایی، حسینی و طاهری» راه برای راضی کردن تهران و تصویب برج‌سازی در جنوب گرگان باز شود. بازنشستگی صادقعلی مقدم مدیرکل باتجربه و خوشنام دفتر فنی استانداری گلستان و جایگزینی محمد مهرگانفر به جای وی هم عامل دیگری بود تا موضوع بلندمرتبه سازی از حوزه فنی دور شود و دیگر بدون هیچ مانعی طبق منویات و سلیقه مهدی مهیایی معاون عمرانی و طهماسبی استاندار گلستان پیش رود.

برای تصویب طرحی که از افکار عمومی پنهان شد، در عوض زنجیره ای از مدیران، بدون سرو صدا در تردد بین گرگان و وزارت راه و شهرسازی به تلاشی حیرت آور مشغول شدند. رفت و برگشت‌ها نشان می‌داد که اشکالات طرح زیاد بوده و پیمانکار تهیه طرح، نتوانسته است خواسته‌های شهرداری و استانداری را به ویژه در مناطق حساس جنگلی جنوب شهر در نقشه‌ها و مستندات توجیه‌پذیر کند.

...تب مشترک بلندمرتبه سازی مسئولان شمالی

مسئولان گلستانی پیگیر بلندمرتبه سازی، البته خوش‌شانس بودند که از جو ایجاد شده توسط مسئولان مازندرانی و گیلانی برای اخذ مصوبه برج‌سازی در شورای عالی شهرسازی و معماری بهره‌مند شدند تا منویات خود را پیش ببرند. نظرات و رفتار محافظه‌کارانه کاظمیان معاون فرزانه صادق مالواجرد نیز باعث شد تا لابی زوج مهیایی و حسینی در وزارت راه سنگین‌تر شود و با وجود ابهامات و اشکالات، طرح از کمیته فنی شورای عالی بگذرد و در خردادماه امسال در شورای عالی شهرسازی مطرح شود.

...آبروریزی اداری برای دفاع از ساخت چند برج!

با وجودی که انتظار مهیایی و تیمش، تصویب بی سر و صدای طرح در جلسه مذکور بود، لیکن با طرح ایرادات توسط برخی از اعضای شورای عالی و شهرسازی و عدم توانایی مهدی مهیایی در کنترل خشم خود و بیان الفاظ و رفتارهای غیراداری، جلسه مذکور منتج به بررسی بیشتر و نظر اعضای کمیته فنی پس از بازدید حضوری از گرگان شد.

...محیط زیست، تنها صدای حامی شهروندان

اعلام رسمی اعتراض اداره کل محیط زیست گلستان و مدیرکل آن در خصوص تعیین پهنه‌های جنوبی شهر گرگان برای بلندمرتبه‌سازی به جهت مخاطرات و اشکالات زیست‌محیطی در زمانی که با توجه به جو ایجاد شده از سوی مهیایی برای حذف موانع تصویب طرح و عدم اظهارنظر مخالف هیچ یک از نمایندگان دستگاه های مربوطه، برای شهروندان گرگان که از حفظ منافع عمومی از سوی بخش دولتی ناامید بودند، امیدبخش بود. گرچه شواهد نشان داد که این موضع گیری مسئولانه محیط زیست، برای آنان از سوی طرفداران بلندمرتبه‌سازی بدون تبعات، هم نبود.

...بازدید بی سر و صدا!

پس از جلسه خردادماه شورای عالی شهرسازی و معماری و ناکامی مثلث مذکور، مشخص شد که پیمانکار شهرداری، سه پهنه را برای بلندمرتبه‌سازی در گرگان پیشنهاد داده است: پهنه اول، لکه هایی پراکنده در کل شهر و بیشتر در مناطقی در شمال کمربندی، غرب شهر (محدوده استانداری) و شرق شهر (طبیعت، میدان تیر ارتش، شهرک فرهنگیان و...). پهنه دوم، محور صیادشیرازی و پهنه سوم، محور بلوار ناهارخوران.

در بازدیدی که توسط سرلک مدیرکل وقت دفتر طرح‌های وزارت راه و شهرسازی در یک روز گرم تابستان امسال انجام شد، ظاهراً تیم مهیایی تمام تلاش خود را برای راضی کردن

آش برج‌سازی طهماسبی در ناهارخوران و صیاد گرگان، آن قدر شور است که به نظر می رسد حتی فرزانه صادق مالواجرد هم حاضر نشد مسئولیت آن را مستقیما به عهده بگیرد و آن را منوط به نظر کمیته فنی کرد





سرلک و توجیه پهنه‌های ناهارخوران و صیاد به کار برد. برای نمونه، بازدید سرلک از وضعیت ترافیکی بلوار ناهارخوران در بعدازظهر یکی از گرمترین روزهای سال انجام شد تا ثابت شود که بلوار ناهارخوران مشکل ترافیکی ندارد. سفر سرلک بدون گفت‌وگویی با شهروندان گرگان و معترضان به برج‌سازی در این دو پهنه پایان یافت و ظاهراً میزبانی استان و توضیحات در گوشی منجر به موافقت سرلک با پهنه صیاد شیرازی شد.

...پیگیری حیرت آور مسئولان گلستان

در حالی که کشور در شرایط جنگی و مشکلات ناشی از آن به سر می برد، خبر احتمال مشکل تامین گاز و قطع سه ماهه آن در استان های شمالی به دغدغه ای جدی برای شهروندان گلستان بدل شده است. لیکن گویا مسئولان، اولویت خود را بر مسأله چگونگی سود بیشتر چند برج‌ساز و واسطه‌گر زمین قرار دادند و با جدیت در این راه، در کمال تعجب و به فاصله کمی از جلسه پیشین شورای عالی شهرسازی و معماری، در مهرماه امسال، مجدداً طرح بلندمرتبه‌سازی گرگان با اصلاحات صورت گرفته در دستور کار این شورا قرار گرفت.

...تشدید لابی در میانه زمزمه استیضاح

این بار اما، علاوه بر تلاش مضاعف مسئولان استان برای لابی با سازمان‌های دارای حق رای در شورا، در اتفاقی کم سابقه شخص استاندار گلستان و همچنین وزیر راه و شهرسازی در جلسه حضور یافتند. صحبت‌های متفاوت و انعطاف وزیر راه (که زمزمه‌های استیضاحش به گوش می‌خورد) در مورد پهنه ناهارخوران و عرض معابر و ترک جلسه بعد از دستور پرونده گرگان، نشان می‌داد که لابی احتمالی استاندار این بار نسبتاً موفق بوده است. هر چند که تعیین تکلیف نهایی در خصوص پهنه ناهارخوران، منوط به بررسی بیشتر و نظر نهایی کمیته فنی شورای عالی شد.

...آش شور طهماسبی برای کمیته فنی

استاندار گلستان در توجیه تلاشش برای افزودن پهنه ناهارخوران و صیادشیرازی به طرح برج‌سازی گرگان، در مصاحبه ای یکسویه، دلایلی ارایه کرد که گویا نتوانست افکارعمومی و متخصصان را قانع کند. آش برج‌سازی طهماسبی در ناهارخوران و صیاد گرگان، آن قدر شور است که به نظر می رسد حتی فرزانه صادق مالواجرد هم حاضر نشد مسئولیت آن را مستقیما به عهده بگیرد و آن را منوط به نظر کمیته فنی کرد.

... آغاز کارزار مردمی در اعتراض به طرح

بلافاصله بعد از انتشار خبر تلاش طهماسبی، کارزار مردمی در اعتراض به برج‌سازی در دو پهنه صیاد شیرازی و ناهارخوران شکل گرفت که توانست ظرف چند روز، چند هزار امضا جمع آوری کند.

لیکن با وجود همراهی این تعداد از شهروندان که اعتراضی با صدای بلند محسوب می‌شود، باز هم استاندار گلستان این اعتراض مدنی را نادیده گرفت و حاضر به توضیح کافی و گفت و گو با شهروندان نشد و در عوض وعده داد که به زودی این طرح را برای اجرا ابلاغ خواهد کرد.

...طرح یواشکی، تقابل علنی

این موضوع که شهرداری گرگان برای تامین هزینه‌های خود به مانند بسیاری از شهرداری‌های کشور به تراکم‌فروشی و شهرفروشی روی آورده است موضوع جدیدی نیست.

مجید طاهری، گویا چندان ابایی از بیان موضوع و تامین منابع از این راه ندارد. اما آن چه حیرت‌آور است، تلاش مجموعه‌ای از مدیران در پیشبرد بی سر و صدای این طرح بدون در نظر گرفتن نظر شهروندان گرگان و شفاف‌سازی در مورد این موضوع و تهیه یواشکی طرح برج‌سازی در ناهارخوران و صیادشیرازی از یک سو و تقابل علنی در برابر مخالفت‌های عمومی و کارشناسی است.

... ابا از گفت و گو با مردم و متخصصان

نگاهی به آرشیو اخبار نشان می‌دهد که در برابر اعتراضات نسبت به تصویب طرح برج‌سازی در گرگان شامل دو پهنه ناهارخوران و صیادشیرازی، علاوه بر شهردار گرگان و برخی از اعضای شورای شهر، طهماسبی استاندار گلستان و مهدی مهیایی معاون عمرانی وی و حتی کیانمهر معاون اقتصادی استانداری نیز به دفاع از این طرح پرداخته است. این اظهار نظرها عمدتا یکسویه بوده و نشانی از برگزاری جلسات گفت‌وگو با حضور موافقان و مخالفان این طرح دیده نمی‌شود.

... حسرتی که همچنان باقی است

در این میان اما این حسرت باقی می‌ماند که اگر تیم استانداری و سیدمحمدحسینی این پیگیری چهار ساله را برای سایر موضوعات و مشکلات شهر گرگان و استان می‌داشتند شاید وضعیت گلستان حال و روزی بهتر در میان استان‌های کشور می‌داشت!.

اینچه‌برون؛
جغرافیای طلایی با کارنامه خاکستری





▪ایرج رمضانی
کارشناس رسانه

▪این روزها بخش قابل‌توجهی از اخبار و روایت‌های رسانه‌ای درباره منطقه آزاد اینچه‌برون، به موضوع واردات خودرو، از خودروهای کارکرده تا خودروهای نو اختصاص یافته و این موضوع در برخی موارد به عنوان یکی از دستاوردهای اصلی منطقه برای مدیران مطرح می‌شود. تردیدی نیست که واردات خودرو، در صورت قرار گرفتن در یک چارچوب شفاف و رقابتی، فی‌نفسه نمی‌تواند اقدامی منفی تلقی شود؛ اما مسئله زمانی شکل می‌گیرد که کارکرد و مأموریت یک منطقه آزاد تجاری. صنعتی، در یک فعالیت واردات‌محور خلاصه شود.

منطقه آزاد قرار است بستری برای جذب سرمایه، توسعه صادرات، ایجاد زنجیره ارزش، رونق تولید، پردازش و صادرات مجدد، توسعه لجستیک و ایجاد اشتغال پایدار باشد؛ نه اینکه بخش عمده ظرفیت خبری و اقتصادی آن به بازار خودرو تقلیل پیدا کند. در چنین شرایطی، منافع اقتصادی حاصل از واردات نیز عمدتاً در حلقه‌های مشخصی از زنجیره واردات و مصرف توزیع می‌شود و لزوماً به شکل پایدار به اقتصاد محلی، تولید، اشتغال و ارزش افزوده استان سرریز نمی‌کند.

مسئله اصلی اینجاست که اگر قرار باشد مهم‌ترین نمود منطقه آزاد اینچه‌برون برای افکار عمومی، واردات خودرو باشد، پس سهم این منطقه در توسعه تجارت خارجی، ترانزیت، صنایع صادرات‌محور و جذب سرمایه‌گذاری مولد کجاست؟ اینچه‌برون با موقعیت مرزی و ظرفیت ارتباطی خود می‌تواند بسیار فراتر از یک دروازه واردات عمل کند و به یک کانون واقعی برای تولید، تجارت و خدمات لجستیکی در شمال کشور تبدیل شود. این موضوع برای گلستان اهمیت دوچندان دارد؛ استانی که در شاخص‌هایی همچون بیکاری، فقر، محرومیت اقتصادی و برخی آسیب‌های اجتماعی، با چالش‌های جدی و انباشته مواجه است. در چنین شرایطی، انتظار طبیعی از منطقه آزاد اینچه‌برون، ایجاد اشتغال پایدار، جذب سرمایه‌گذاری مولد و کمک به ارتقای شاخص‌های رفاه و توسعه اقتصادی استان است.

لذا نقد موجود متوجه اصل واردات خودرو نیست؛ مسئله، تقلیل یک ظرفیت راهبردی و ژئواقتصادی به یک فعالیت تجاری محدود است؛ رویکردی که در بلندمدت نمی‌تواند پاسخگوی انتظارات توسعه‌ای مردم گلستان از منطقه آزاد اینچه‌برون باشد.

اگر قرار باشد مهم‌ترین نمود منطقه آزاد اینچه‌برون برای افکار عمومی، واردات خودرو باشد، پس سهم این منطقه در توسعه تجارت خارجی، ترانزیت، صنایع صادرات‌محور و جذب سرمایه‌گذاری مولد کجاست؟

در تجربه اقتصادهای موفق، مناطق آزاد زمانی توانسته‌اند به موتور رشد تبدیل شوند که مجموعه‌ای از سیاست‌های تسهیل تجارت، زیرساخت لجستیکی، جذب سرمایه خارجی، توسعه صنعتی و اصلاح محیط کسب‌وکار به‌صورت هم‌زمان در آنها اجرا شده است. بانک جهانی نیز در بررسی مناطق ویژه اقتصادی موفق، بر کیفیت زیرساخت، خدمات عمومی کارآمد و ایجاد سازوکار «پنجره واحد» برای امور گمرکی، مجوزها، مالیات و خدمات سرمایه‌گذاری تأکید کرده است.

سنگاپور نمونه بسیار ملموسی است. مناطق آزاد تجاری این کشور از دهه ۱۹۶۰ در چارچوب قانونی مشخص فعالیت می‌کنند و در کنار بندر و شبکه گسترده تجارت خارجی، به تسهیل جابه‌جایی و ترانشیپ کالا کمک کرده‌اند. امروز سنگاپور یکی از مهم‌ترین هاب‌های تجارت و ترانزیت جهان است و بندر آن سالانه بیش از ۳۰ میلیون کانتینر را جابه‌جا می‌کند.

تجربه جهانی نشان می‌دهد جغرافیا به تنهایی توسعه نمی‌آورد؛ زیرساخت به علاوه حکمرانی اقتصادی، سرمایه‌گذاری و اتصال به بازارهای بین‌المللی است که یک منطقه مرزی را به موتور رشد تبدیل می‌کند.

امروز پرسش اساسی درباره اینچه‌برون این نیست که این منطقه چه ظرفیت‌هایی دارد؛ بلکه این است که چه میزان از این ظرفیت‌ها به ارزش اقتصادی واقعی تبدیل شده است؟ آیا زیرساخت‌های موجود توان میزبانی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ صنعتی را دارد؟ آیا شبکه ریلی و جاده‌ای منطقه به اندازه‌ای توسعه یافته که اینچه‌برون را به یک هاب رقابتی ترانزیت کالا تبدیل کند؟ چه میزان سرمایه خصوصی جذب شده و چه تعداد واحد تولیدی، فرآوری و صادرات‌محور در این منطقه شکل گرفته است؟ و مهم‌تر از همه، سهم واقعی اینچه‌برون در افزایش اشتغال، صادرات و تولید ناخالص منطقه‌ای گلستان چقدر است؟

پاسخ روشن به این پرسش‌ها می‌تواند معیار مناسبی برای سنجش فاصله میان اهداف تعیین‌شده و عملکرد موجود باشد.

اینچه‌برون از یک مزیت کم‌نظیر ژئواقتصادی برخوردار است. ارتباط با ترکمنستان و دسترسی به بازارهای آسیای مرکزی، ظرفیت ترانزیتی، مسیر ریلی و قرار گرفتن در امتداد کریدورهای منطقه‌ای، این منطقه را از بسیاری از نقاط کشور متمایز می‌کند. اما در اقتصاد امروز، صرفِ قرار گرفتن روی نقشه تجارت کافی نیست. مزیت جغرافیایی زمانی به مزیت رقابتی تبدیل می‌شود که زیرساخت، مدیریت، سرمایه و سیاست‌گذاری هماهنگ در کنار یکدیگر قرار گیرند.

از سوی دیگر، نباید اجازه داد منطقه آزاد اینچه‌برون به مجموعه‌ای از امتیازات گمرکی یا فعالیت‌های محدود تجاری تقلیل پیدا کند.

فلسفه شکل‌گیری مناطق آزاد، ایجاد یک اکوسیستم اقتصادی برای جذب سرمایه، توسعه صادرات، تسهیل تجارت، انتقال فناوری، ایجاد اشتغال و اتصال اقتصاد محلی به بازارهای فرامرزی است.

گلستان برای توسعه اقتصادی خود به یک «برند اقتصادی مرزی» نیاز دارد و اینچه‌برون می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند؛ به شرط آنکه از نگاه پروژه‌ای و روزمره فاصله گرفته و با یک نقشه راه جامع، زمان‌بندی‌شده و سرمایه‌محور اداره شود.

اکنون زمان آن رسیده است که عملکرد منطقه آزاد اینچه‌برون با شاخص‌های قابل اندازه‌گیری سنجیده شود؛ میزان جذب سرمایه، حجم تجارت، ارزش صادرات، ظرفیت ترانزیت، تعداد واحدهای فعال، میزان اشتغال و سهم آن در اقتصاد استان باید به‌صورت شفاف برای افکار عمومی منتشر شود.

اینچه‌برون می‌تواند موتور محرک اقتصاد گلستان باشد؛ اما برای رسیدن به این نقطه، بیش از عنوان و وعده، به سرمایه‌گذاری واقعی، زیرساخت عملیاتی، مدیریت تخصصی و تصمیم‌های جسورانه اقتصادی نیاز دارد. مردم گلستان دیگر صرفاً وعده یک منطقه آزاد را نمی‌خواهند؛ آنها نتیجه‌ای ملموس از آن را در تجارت، اشتغال، تولید و رفاه اقتصادی مطالبه می‌کنند.

دو مأموریت متفاوت در یک مجموعه؛

ضرورت بازنگری در جانمایی مرکز ماده ۱۶ توسکستان


▪آبشناس / مدیرکل بهزیستی


▪اسپانلو / مدیرکل دادگستری


▪طهماسبی / استاندار گلستان


▪نظری/ مدیرکل آموزش و پرورش

▪ سرویس اجتماعی | ▪ وقتی یک مرکز تخصصی درمان و ساماندهی افراد مبتلا به اعتیاد در کنار مجموعه‌ای قرار می‌گیرد که مأموریتش حمایت، تربیت و توانمندسازی کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر است، مسئله دیگر صرفاً «مکان‌یابی نامناسب» نیست؛ سخن از تداخل دو مأموریت متفاوت و نادیده گرفتن الزامات محیطی و تربیتی هر دو گروه است.

اظهارات اخیر معاون پارلمانی سازمان بهزیستی کشور درباره استقرار مرکز ماده ۱۶ در مجتمع فرهنگی، تربیتی و آموزشی گلستان، بار دیگر یکی از مسائل قدیمی و کمتر دیده‌شده حوزه آسیب‌های اجتماعی استان را به سطح مطالبه عمومی آورده است؛ مسئله‌ای که اگرچه در ظاهر به جابه‌جایی یک مرکز محدود می‌شود، اما در واقع پرسشی جدی درباره نحوه مدیریت ظرفیت‌های اجتماعی استان مطرح می‌کند.

مرکز ماده ۱۶ برای ساماندهی و درمان افراد مبتلا به اعتیاد و در مواردی افراد دارای اعتیاد متجاهر ایجاد شده است؛ در مقابل، مجتمع‌های فرهنگی و تربیتی حوزه آسیب‌های اجتماعی باید محیطی امن، آرام، کنترل‌شده و متناسب با نیازهای روانی و تربیتی کودکان و نوجوانانی باشند که بسیاری از آنان خود قربانی شرایط دشوار خانوادگی و اجتماعی هستند.

قرار دادن این دو مأموریت در یک مجموعه، حتی اگر از نظر فیزیکی با تفکیک‌هایی همراه باشد، دست‌کم از منظر سیاست‌گذاری اجتماعی نیازمند بازنگری جدی است.

... مسئله فقط جابه‌جایی یک ساختمان نیست

قدسیه آبشناس، در کارگروه اجتماعی و فرهنگی استان، درخواست مشخص استان را از کمیسیون اجتماعی مجلس و سازمان بهزیستی، پیش‌بینی اعتبار برای جانمایی و احداث محل مناسب و مستقل برای مرکز ماده ۱۶ اعلام و تأکید کرده است که خروج این مرکز از توسکستان صرفاً جابه‌جایی یک مرکز نیست، بلکه بازگرداندن یک سرمایه عمومی به جامعه است.

... کودکان آسیب‌دیده نباید قربانی کمبود زیرساخت شوند

یکی از نکات مهمی که در اظهارات معاون پارلمانی سازمان بهزیستی مطرح شده، تأکید بر ضرورت ایجاد محیطی کاملاً امن و تربیتی برای کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست، بدسرپرست و در معرض آسیب است. این کودکان پیش از ورود به چرخه حمایت اجتماعی، در بسیاری موارد تجربه‌هایی از طلاق، اعتیاد، خشونت، فقر، بی‌ثباتی خانوادگی یا سایر آسیب‌های اجتماعی را پشت سر گذاشته‌اند. بنابراین محیطی که قرار است بخشی از فرآیند بازسازی زندگی آنان باشد، نمی‌تواند صرفاً یک فضای فیزیکی باشد؛ محیط، خود بخشی از فرآیند درمان و تربیت است.

از این منظر، جانمایی نامتناسب می‌تواند هزینه‌ای پنهان ایجاد کند؛ هزینه‌ای که در بودجه‌ها دیده نمی‌شود اما در کیفیت خدمات اجتماعی، احساس امنیت کودکان و اثربخشی برنامه‌های توانمندسازی خود را نشان می‌دهد.

... نارضایتی آموزش‌وپرورش از مجاورت مرکز ماده ۱۶ با اردوگاه دانش‌آموزی نشاط

نگرانی‌ها درباره استقرار مرکز ماده ۱۶ در مجاورت مجموعه‌های آموزشی و تربیتی گلستان، تنها به کودکان تحت پوشش خدمات حمایتی محدود نمی‌شود. نارضایتی مدیرکل آموزش‌وپرورش استان از این وضعیت نیز نشان می‌دهد که ادامه این هم‌جواری، کارکرد یکی دیگر از ظرفیت‌های مهم تربیتی استان، یعنی اردوگاه دانش‌آموزی نشاط، را با چالش مواجه کرده است.

به گفته نظری، مدیرکل آموزش‌وپرورش گلستان، یکی از کارکردهای اصلی اردوگاه دانش‌آموزی نشاط، فراهم کردن امکان برگزاری اردوهای شبانه است؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند شب را در محیطی امن و مناسب سپری کنند. با این حال، شرایط موجود و مجاورت اردوگاه با مرکز ماده ۱۶ ، امکان بهره‌برداری مطلوب از این ظرفیت را با محدودیت جدی مواجه کرده است.

اردوگاه دانش‌آموزی باید فضایی برای تجربه نشاط، یادگیری، تعامل اجتماعی و تقویت مهارت‌های زندگی باشد؛ همان‌طور که مرکز ماده ۱۶ نیز برای انجام مأموریت تخصصی خود به فضایی مستقل و متناسب با الزامات درمانی و حمایتی نیاز دارد. تداوم شرایط فعلی، به معنای محدود شدن ظرفیت‌های موجود در هر دو حوزه است؛ درحالی‌که با تصمیم‌گیری به‌موقع و تأمین زیرساخت مناسب، می‌توان هم خدمات تخصصی مرتبط با اعتیاد را سامان داد و هم ظرفیت‌های آموزشی و تربیتی استان را احیا کرد.

... یک فرصت برای بازتعریف سیاست اجتماعی گلستان

اکنون که موضوع از سوی سازمان بهزیستی کشور و مسئولان استان مطرح شده، انتظار نمی‌رود پرونده صرفاً با وعده «بررسی موضوع» بسته شود.

اگر قرار است مرکز ماده ۱۶ به محل مستقل منتقل شود، باید زمان‌بندی، محل پیشنهادی، دستگاه مسئول، برآورد اعتبار و سازوکار تأمین بودجه مشخص شود. در غیر این صورت، «لزوم جابه‌جایی» نیز به یکی دیگر از فهرست طولانی مطالبات بلاتکلیف حوزه اجتماعی استان تبدیل خواهد شد.

از سوی دیگر، آزاد شدن ظرفیت مجتمع فرهنگی و تربیتی باید با یک برنامه روشن همراه باشد؛ برنامه‌ای برای توسعه مشاوره، آموزش، ورزش، مهارت‌آموزی، اردوهای تربیتی و حمایت روانی و اجتماعی از کودکان و نوجوانان در معرض آسیب.

این مجتمع نباید پس از خروج مرکز ماده ۱۶ صرفاً از یک کاربری به کاربری دیگری منتقل شود؛ باید مأموریت اصلی آن احیا و ظرفیتش برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به کار گرفته شود.

... حالا نوبت تصمیم است، نه توجیه

سال‌هاست درباره ضرورت مقابله با آسیب‌های اجتماعی، پیشگیری از اعتیاد و حمایت از کودکان و نوجوانان سخن گفته می‌شود. اما سیاست اجتماعی زمانی معنا پیدا می‌کند که میان این شعارها و نحوه تخصیص فضا، بودجه و امکانات نیز تناسب وجود داشته باشد.

گلستان امروز با یک انتخاب روشن مواجه است: ادامه وضعیتی که در آن دو مأموریت متفاوت در یک مجموعه کنار هم قرار گرفته‌اند، یا اتخاذ یک تصمیم عملی برای تفکیک این دو مسیر و استفاده تخصصی از ظرفیت‌های موجود.

مرکز ماده ۱۶ به فضای تخصصی و مستقل نیاز دارد؛کودکان آسیب‌دیده نیز به محیطی امن، آرام و تربیتی. تأمین این دو نیاز نباید در برابر یکدیگر قرار گیرد.

اگر مسئولان استان و سازمان بهزیستی واقعاً معتقدند این جانمایی باید اصلاح شود، اکنون زمان آن است که این مطالبه از سطح سخنرانی و جلسه خارج و به تصمیم، اعتبار، ساخت و اقدام اجرایی تبدیل شود.

زیرا مسئله فقط جابه‌جایی یک مرکز نیست؛ مسئله این‌است که آیا در مدیریت آسیب‌های اجتماعی، حق کودکان برای برخورداری از محیط امن و حق افراد گرفتار اعتیاد برای دریافت خدمات تخصصی، هر دو جدی گرفته می‌شوند یا نه.

یکی از کارکردهای اصلی اردوگاه دانش‌آموزی نشاط، فراهم کردن امکان برگزاری اردوهای شبانه است؛ به‌گونه‌ای که دانش‌آموزان بتوانند شب را در محیطی امن و مناسب سپری کنند. با این حال، شرایط موجود و مجاورت اردوگاه با مرکز ماده ۱۶ ، امکان بهره‌برداری مطلوب از این ظرفیت را با محدودیت جدی مواجه کرده است

هفته‌نامه فرهنگی اجتماعی
هیرکان خبر
۸
شماره۲ ▪ شنبه ۲ آبان ۱۴۰۵▪
▪صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: الهه رمضانپور ▪ زیر نظر شورای نویسندگان ▪صفحه‌آرایی: جعفر صیدانلو ▪لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه گلشن‌مهر
▪تلفن: ۰۱۷۳۲۲۲۶۹۱۵ ▪همراه: ۰۹۱۱۹۷۱۱۸۵۶ ▪نشانی دفتر: گرگان- میدان ولی‌عصر(ع)- طبقه فوقانی پاساژ خاله سوسکه- دفتر هفته‌نامه «هیرکان خبر»
▪ایمیل: journalist.golestan62@gmail.com ▪تمام حقوق مادی و معنوی این نشریه محفوظ است. ▪بازنشر مطالب با ذکر منبع بلامانع است.
@E.RAMEZANPOUR.IR

جای خالی بومی‌ها در بسکتبال گرگان

▪شهرام نیک پیام | ▪در شماره پیش هفته‌نامه چگونگی برگزاری فصل ۱۴۰۶-۱۴۰۵ لیگ برتر بسکتبال ایران و برخی مشکلات آن را برشمرده و به قهرمانی پرحاشیه استقلال تهران و اما و اگرهای آن اشاره شد که به قول تماشاگران گرگانی رنگ و بوی قهرمانی نداشت!.
دراین شماره به روند شکل‌گیری تیم شهرداری گرگان در فصل ۱۴۰۶-۱۴۰۵ و حاشیه‌های عجیب و غریب آن می‌پردازیم که پیش از ورود به بحث به این نکته اشاره شود که نویسنده و هفته نامه از هرگونه اظهارنظر شخصی پرهیز نموده و بیشتر از قول دست‌اندرکاران نقل‌وقول خواهد شد. همچنین تلاش شد تا حرف‌های طرفین شنیده شود که در مواردی بعضی از افراد، موافق صحبت درباره این ماجرا نبودند. به همین منظور کوشیدیم که ضمن حفظ حرمت‌ها به چالش تیم‌داری در بسکتبال گرگان بپردازیم.

درست در شرایطی که هواداران و علاقه‌مندان بسکتبال گرگان درگیر حاشیه‌های فصل ۱۴۰۶-۱۴۰۵ و شرکت نکردن تیم شهرداری در بازی‌های نیمه نهایی بودند و موافق و مخالف، نظرات متفاوتی داشتند، به فاصله‌ای کوتاه، یکباره خبرهایی پیرامون تیم گرگان چون بمب ترکید و هر کس از دری سخن می‌گفت.
اظهار نظرهای موافقین و مخالفین شکل عجیبی به خود گرفت.
دیالوگ‌ها به گونه‌ای بود که هرگز مجال و امکان قضاوت فراهم نبود و بهترین راه، شنیدن اخبار کلی و در مواردی هم صحبت‌های طرفین ماجرا و حاشیه‌های بسکتبالی بود.
اما بمب خبری این بود که صالح مخدومی سرمربی که به نظر هواداران کارنامه‌ی خوب و مثبتی داشت به همراه تعدادی از بازیکنان از تیم شهرداری گرگان جدا و به تیم‌های دیگر پیوستند!. خبری که باورش سخت بود اما واقعیت داشت و آنچه که نباید اتفاق می‌افتاد متاسفانه افتاد و به زعم علاقه‌مندان، بسکتبال گرگان که در مسیر درستی افتاده و بر روی ریل پیشرفت قرار گرفته بود یکباره به تونل اختلافات و بن‌بست‌های تیم‌داری کشیده شد.
اصلا هواداران نمی‌توانستند باور کنند که صالح مخدومی و بازیکنان بومی و غیربومی‌های جاافتاده در تیم از گرگان جدا شوند؟! اما این اتفاق افتاد.
صالح مخدومی به همراه میثم میرزایی، خشایار علی‌اکبری و امیرحسین یازرلو به تیم کاله آمل پیوستند. مبین شیخی و نصرت یازرلو به نفت آبادان و پیتر گریگوریان به استقلال تهران رفتند!.
با نگاهی به اسامی، تیم گرگان یکباره از بازیکنان تاثیر گذار بومی و غیربومی خالی شد و نگرانی هواداران را به اوج خود رساند و همه به این فکر بودند که گویی شهرداری قصد تیم‌داری ندارد و یا صرفا در اندیشه‌ی بستن یک تیم معمولی با تعدادی از بازیکنان جوان بومی است که فقط در لیگ برتر بمانند. اما پس از گذشت چند روز از این حاشیه‌ها و پیگیری انجمن هواداران، ناگاه شرایط به شکل دیگری رقم خورد و زمزمه‌ی پیوستن مربیان و بازیکنان نامدار غیربومی در گوشه و کنار گرگان پیچید و برای عده‌ای چیزی جز یک شوک نبود. شوک اول، رفتن سرمربی و بازیکنان بومی و غیربومی موثر و شوک دوم آمدن مربیان و بازیکنان نامدار غیربومی؟!
واقعا هضم آن برای دوستداران بسکتبال گرگان بسیار سنگین بود اما واقعیتی انکار ناپذیر بود که باید می‌پذیرفتند.
اما زین پس، ماجرا با روند جدید شکل گرفت. شهرداری گرگان با رایزنی و دعوت از مهران حاتمی که در خارج از کشور بسرمی‌برد، وی را به عنوان سرمربی تیم گرگان برگزید و پیامد آن با بازیکنان نامدار و ملی‌پوش قرارداد بسته شد.
تیم، مدت کوتاهی تمریناتش را زیر نظر مهران حاتمی شروع کرد و پس از چند روز از پنجم تا نهم مهر ۱۴۰۵ راهی بازی‌های باشگاه‌های غرب آسیا شد. برای حضور قدرتمندانه سه بازیکن خارجی خوب از جمله جردن استیونز بازیکن سرشناس طبیعت را به خدمت گرفتند اما با کسب نتایج ضعیف نتوانست به مرحله‌ی بعد صعود نموده و از دور مسابقات حذف شد تا در ادامه در اندیشه‌ی حضور آبرومندانه در مسابقات لیگ برتر ایران باشد.
اما به پرسش‌هایی که در روند شکل‌گیری این فصل تیم شهرداری گرگان و چالش های مطرح شده داده شد، موافقین و مخالفین پاسخ‌هایی به شرح ذیل داشتند: مخالفین می‌گویند اگر شهرداری گرگان با طرح نداشتن بودجه‌ی کافی، توان تیم‌داری در سطح لیگ برتر را نداشت و نمی‌خواست وارد این وادی شود و حتی کار را بدانجا رسانید که سرمربی موفق و کاربلد و همچنین بازیکنان موثر بومی و غیربومی را از دست داد پس چرا حالا با هزینه‌هایی احتمالا بیشتر وارد این گود شده است که به علت برخی ناهماهنگی‌های تیمی شاید موفقیتش به نسبت تیم فصل پیش کمتر باشد؟
در پاسخ مخالفین،موافقین از جمله سکان‌داران شورا و شهرداری چنین توضیح می‌دهند که؛ ما چند بار با سرمربی و تعدادی از بازیکنان، بویژه بومی‌ها جلسه گذاشتیم که به علت بروز برخی مسایل و مبالغ قراردادها، متاسفانه برغم میل باطنی نتوانستیم به توافق برسیم.

خبری که باورش سخت بود اما واقعیت داشت و آنچه که نباید اتفاق می‌افتاد متاسفانه افتاد و به زعم علاقه‌مندان، بسکتبال گرگان که در مسیر درستی افتاده و بر روی ریل پیشرفت قرار گرفته بود یکباره به تونل اختلافات و بن‌بست‌های تیم‌داری کشیده شد

هواداران و علاقه مندان بسکتبال گرگان همواره بر این باورند تا جایی که امکان دارد، باید گزینه‌ی اول تیم‌داری، بومی‌های تاثیرگذار باشند. از بازیکن تا کادر فنی و مدیریتی که خوشبختانه در گرگان زیاد هستند